سال‌هایی که با پلنگ پارسی گذشت

گپ‌وگفت خودمانی با فرمانده یگان حفاظت از محیط‌زیست خراسان‌رضوی درباره وضعیت پلنگ ایرانی، محیط‌بانان و شکارچیان

لیلا کوچک‌زاده
خبرنگار

آن‌ها همیشه محیط‌بان هستند و خواهند ماند و به آن آرم گندمی که روی سینه‌شان دوخته شده است، افتخار می‌کنند. ابوالفضل شعبانی، فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست خراسان‌رضوی، کارش را با محیط‌بانی در پارک ملی تندوره شروع کرده است و البته هنوز هم خودش را یک محیط‌بان می‌داند. متولد سال ۱۳۵۴ در درگز است. شهرستانی در ۲۵۰کیلومتری مشهد که پارک ملی تندوره آن، بهشت پلنگ ایرانی است. از کودکی‌اش، تا همین امروز به این منطقه گره خورده است، آن‌هم در سایه پدری که خودش محیط‌بان بازنشسته این منطقه چندین‌هزار هکتاری در حوزه آبریز کشف‌رود و هریررود بوده است. همین است که در حرف‌هایش زیاد از پلنگ ایرانی و غرورش می‌شنویم و از محیط‌بانانی که به گفته او در دشت و طبیعت و در رویارویی با شکارچیان به‌جز خودشان و خدایشان هیچ کسی را ندارند.

● شما ۱۰سال در لباس محیطی، پاسبان پارک ملی تندوره درگز بودید. پارکی که طبق آمارها بیشترین جمعیت پلنگِ خاورمیانه و آسیا را در خود جای داده است. ویژگی‌های این منطقه چیست و وضعیت این گونه باارزش در آن چگونه است؟

به‌نظرم پارک ملی تندوره در کشور بی‌نظیر است. این منطقه افتخار استان ماست. بکر و دست‌نخورده مانده و البته حفاظت از آن هم سخت است. همیشه می‌گویم خدا رفتگان ما را بیامرزد که این منطقه را به‌عنوان پارک ملی انتخاب کردند. اینجا علاوه بر اینکه حیات‌وحشی با حیواناتی مثل قوچ، میش، کل، بز، گربه جنگلی و پرندگانی مانند هما، دال و کرکس سیاه و... را در خود جای داده است، یکی از گونه‌های مهم ایران یعنی پلنگ ایرانی در آن زندگی می‌کند. درواقع وضعیت پلنگ به‌عنوان پرچم‌دار گونه‌های منطقه خوب است و همه گونه‌های زیرمجموعه‌اش هم خوب هستند. اما همه این‌ها به دو عامل برمی‌گردد. وسعت پارک ملی تندوره حدود ۳۵هزار هکتار است؛ بلندترین قله آن قنبرعلی ۲هزارو ۹۵۰متر و کمترین ارتفاعش، چهل‌میر حدود هشتصدمتر است. این اختلاف ارتفاع و این میزان وسعت، باعث شده است مهاجرت حیات‌وحش برای ییلاق و قشلاق در خود منطقه اتفاق بیفتد و نیاز نباشد از پارک ملی خارج شوند. به همین دلیل است که آسیب نمی‌بینند.

● درتندوره چند قلاده پلنگ زندگی می‌کنند؟

این حیوان شب‌زی است و یافتن تعدادش، به تجهیزات بسیار حرفه‌ای در شب نیاز دارد که ما هنوز این تجهیزات را در اختیار نداریم. اما بر اساس مطالعاتی که در چندین سال انجام شده، دست‌کم چهل قلاده پلنگ در این پارک رصد و شناسایی شده است.

● حتما خودتان هم از نزدیک با این حیوان روبه‌رو شده‌اید.

[می‌خندد] بله! تا دلتان بخواهد پلنگ دیده‌ام. این حیوان غرور و ابهت خاصی دارد. پلنگ‌های تندوره خیلی بزرگ هستند، این‌قدر بزرگ می‌شوند که زیر گلویشان یال می‌افتد.

● برایمان خاطره‌ای از رویارویی با پلنگ ایرانی تعریف کنید.

با همکارم با موتور از پاسگاه شکرآب تندوره می‌آمدیم. سرپایینی بود و با موتور خاموش هم می‌شد پایین آمد. در سکوت می‌آمدیم که ناگهان پلنگی دیدیم. وسط جاده نشسته و آن‌قدر بزرگ بود که راه را بند آورده بود. دوسه‌ساله بود. آن‌قدر این حیوان غرور دارد که ما را نگاه می‌کرد، ولی از جایش بلند نمی‌شد تا رد شویم. فاصله‌مان با او حدود هشت متر بود. اصلا حرکت نکرد. حدود ۱۰ دقیقه ایستاده و منتظر بودیم و نگاهش می‌کردیم. همکارم به‌شوخی می‌گفت، پهلوان اجازه بده، رخصت بده و... بالاخره تصمیم گرفتیم موتور را روشن کنیم. پلنگ بلند شد و به کنار جاده رفت. همکارم به من گفت اسلحه را آماده نگهدار. آماده بودیم، اما هیچ‌وقت از سلاح برای شلیک به پلنگ یا حیوانات استفاده نمی‌کنیم. البته پلنگ هم به‌هیچ‌عنوان به انسان حمله نمی‌کند، مگر در شرایط سختی قرار بگیرد، غافل‌گیر شود و گیر کند. در این صورت احتمال پرخاش دارد. خلاصه ما از جاده گذشتیم و حیوان هم از کنار جاده نزدیک به شصت متر، خیز کرده (حالت حمله گرفته بود) بود و تعقیبمان می‌کرد که ما برنگردیم و آسیبی به او بزنیم.

● گرگ هم در پارک ملی تندوره زندگی می‌کند؟

من در حاشیه تندوره گرگ دیده‌ام، اما جایی که پلنگ زندگی کند، دیگر وجود گرگ معنایی ندارد. پلنگ سلطان و پرچم‌دار منطقه است. به همین دلیل است که همیشه به روستاییان آموزش می‌دهیم که مراقب پلنگ‌ها باشید تا گرگ به گله‌تان حمله نکند.

● می‌دانیم که آهو نماد حیات‌وحش خراسان‌رضوی است. درباره وضعیت این گونه هم بگویید.

زیستگاه آهو دشت و کویر است. ما دو منطقه آهوخیز در خراسان‌رضوی داریم؛ منطقه حفاظت‌شده رئیسی و پناهگاه حیات‌وحش شیراحمد که وضعیتشان مناسب است. فقط خشک‌سالی باعث کم‌شدن آهوها در این مناطق می‌شود. سمت سرخس هم آهو داریم. البته من معتقدم پلنگ مهم‌ترین گونه ما در خراسان‌رضوی است.

● درباره وسعت مناطق حفاظت‌شده خراسان‌رضوی بگویید و اینکه از وضعیت حفاظت از این مناطق راضی هستید؟

ما ۴۱ منطقه چهارگانه و شکارممنوع داریم که پارک ملی تندوره سرآمدشان است. سه اثر طبیعی ملی شامل دریاچه بزنگان، قلل بینالود و چشمه گراب را داریم. سه پناهگاه حیات‌وحش شیراحمد، حیدری و دشت لاغری و ۲۱ منطقه حفاظت‌شده داریم. وسعت این مناطق، حدود دوونیم میلیون هکتار است که هر محیط‌بان حدود ۱۷هزار هکتار از آن را پوشش می‌دهد. ما بیشترین مناطق را در کشور داریم که طبیعتا با این میزان وسعت و تنوع مناطق، وضع کاری‌مان سخت است. اما تلاش کردیم شرایط بهتری را برای محیط‌بانانمان فراهم کنیم. طوری که یگان حفاظت خراسان‌رضوی هر سال در کشور به‌دلیل عملیات‌ها و امتیازهایی که گرفته است، برتری‌هایی کسب می‌کند و محیط‌بانانمان برگزیده می‌شوند. ما یک گروه واکنش سریع با سی محیط‌بان هم داریم که همه آن‌ها باتجربه و ورزیده هستند.

● خاطره خاصی در روبه‌روشدن با شکارچیان دارید که برایمان تعریف کنید.

این خاطره به ماه مبارک رمضان و در منطقه تندوره مربوط است. واقعا شرایط کاری محیط‌بانان در این ماه سخت است. در پاسگاه شکرآب بودیم. سحری خورده بودیم که اطلاع دادند یک شکارچی از خارج منطقه تندوره درحال آمدن به این محدوده است. با موتور بیست کیلومتر در حاشیه منطقه تندوره راندیم. چهار صبح راه افتاده بودیم. به منطقه مدنظر که رسیدیم، کمین کردیم و دوربین کشیدیم. آفتاب زده بود. یک شکارچی با اسب دیدیم. آمد سرِ چشمه، اما خارج از منطقه بود. هرچه دوربین کشیدیم، همراهانش را پیدا نکردیم. اما شواهد نشان می‌داد که باید چند نفر باشند، چون وسایل زیادی همراه این اسب سوار بود. مطمئن بودیم که چند شکارچی به داخل منطقه رفته‌اند، اما نه می‌توانستیم این فرد را دستگیر کنیم، چون داخل منطقه نبود و نه می‌شد رهایش کنیم و برویم دنبال بقیه. تنها راه، درخواست کمک از پاسگاه پایین‌دست بود. ما از ساعت ۷ صبح که این‌ها را دیدیم، تا ساعت ۴ عصر که همکارانمان آمدند، باید صبر می‌کردیم. بالاخره آن‌ها به ما ملحق شدند. اما باید باز هم صبر می‌کردیم. غروب شد تا اینکه بالاخره دو شکارچی را با سلاح غیرمجاز دیدیم که یک بز کوهی نر شکار کرده و لاشه‌اش را روی اسب انداخته بودند. از پایین کوه می‌آمدند. تا به شکارچی اول رسیدند، ما از دو طرف از بالا پایین آمدیم. تیر هوایی زدیم. یعنی قانون به‌کارگیری سلاح را رعایت کردیم. غافل‌گیر شدند و نگذاشتیم واکنشی نشان دهند و دستگیرشان کردیم. فاصله‌مان تا اولین پاسگاه سی کیلومتر بود. درحالی که همراهمان آذوقه‌ای برای بازکردن افطار نبود، ساعت ۱۲ شب به پاسگاه چهل‌میر رسیدیم و شکارچیان را تحویل دادیم. خلاصه ۱۰ دقیقه مانده به سحری توانستیم چند لقمه غذا بخوریم.

● به قانون به‌کارگیری سلاح اشاره کردید. می‌دانیم که این قانون برای محیط‌بانان با دشواری‌هایی همراه است. برایمان از این مشکل بگویید.

ما مجوز حمل سلاح سازمانی و تجهیزاتی مثل شوکر، افشانه و دست‌بند را داریم؛ اما براساس لایحه حمایت از محیط‌بانان درباره قانون به‌کارگیری سلاح، فقط می‌توانیم در صورت حمله شکارچی آن هم در مواقعی که جان محیط‌بان یا همکارش به خطر بیفتد، از سلاح استفاده کنیم. البته درصورت استفاده از سلاح، باید مستند هم ارائه کنیم. سازمان ما باجدیت پیگیر این موضوع است که ما هم مانند نیروهای مسلح بتوانیم اختیارات بیشتری در مقابله با متخلفان حوزه محیط‌زیست داشته باشیم. اما باید گفت ما محیط‌بانان در درگیری با شکارچیان به‌جز خودمان و خدا هیچ کسی را نداریم و شاهد و ناظرمان فقط خداست.

● شما خودتان تابه‌حال مستقیم به شکارچی شلیک کرده‌اید؟

خیر! شلیک مستقیم نکرده‌ام و تا توانسته‌ام، با تیر هوایی آن‌ها را ترسانده و گیر انداخته‌ام. اما این را قاطعانه می‌گویم که هیچ شکارچی‌ای عاقبت‌به‌خیر نشده و آه حیوان او را گرفته است. هر کدامشان به دلیلی گرفتار شده‌اند؛ یا خودشان یا خانواده‌شان. شکارچیان آدم‌های فرصت‌طلبی هستند. همیشه به همکارانمان گفته‌ام باید با گشت‌زنی، آرمش و امنیت را از این‌ها بگیریم؛ چون این‌ها به شکار عادت کرده‌اند و به‌ندرت پیدا می‌شود که اصلاح شوند. خود من شکارچی‌ای دیدم که به‌دلیل بیماری کلیوی، از همسرش پیوند گرفته بود، به‌شرط آنکه شکار را کنار بگذارد. اما همین شکارچی را در زمستان در شب درحالی که در بیست‌سی سانتی‌متر برف گیر کرده بود، دستگیر کردم. فقط به او گفتم تو که قول داده بودی!

● تیراندازی مستقیم به حیات‌وحش چطور؟ مثلا جایی که جانتان به خطر افتاده باشد.

درباره حیات‌وحش هم تا جایی که بتوانیم از شلیک مستقیم خودداری می‌کنیم. یعنی با تیراندازی هوایی یا زدن تیر به اطراف حیوان، فراری‌اش می‌دهیم. موردی پیش آمده بود که یک پلنگ قصد خفه کردن اسب یکی از پاسگاه‌های پارک ملی تندوره را داشت. برای نجات جان اسب، با زدن تیر به فضای اطراف پلنگ، دورش کردیم.

● بزرگ‌ترین تخلف شکارچیان در خراسان‌رضوی که فرماندهی شما مانع عملیات آن‌ها شده، چه بوده است؟

ما در زمینه پرندگان شکاری خیلی کار کردیم. مهم‌ترینش محموله‌ای بود که پانزده روز روی آن کار کردیم و توانستیم با همراهی نیروی انتظامی، شش بهله بالابان را که پرنده شکاری بسیار باارزشی است، کشف کنیم. می‌توانم بگویم یک باند بین‌المللی را به دام انداختیم که از استان‌های جنوبی آمده بودند و صیادان حرفه‌ای در آن حضور داشتند.

● یکی از تأثیرگذارترین فعالیت‌های دوره کاری‌تان را برایمان تعریف کنید.

به سال‌های حضورم در فریمان برمی‌گردد که مسئول نمایندگی حفاظت محیط‌زیست در این شهرستان بودم. آنجا پاسگاه محیط‌زیستی نداشت و شکارچیان در مناطق جولان می‌دادند. همیار جمع کردم و شروع کردیم به شناسایی منطقه. می‌دیدیم که چقدر این شهرستان مستعد است. ولی محیط‌زیستی به آن صورت به خودش ندیده بود. منطقه‌ای شکارممنوع دارد به‌نام کلیلاغ که امیدوارم به منطقه حفاظت‌شده هم ارتقا پیدا کند. این منطقه زیستگاه عالی داشت. سال ۱۳۸۸ که رفتم، قوچ و میش هم در ارتفاعات کلیلاغ دیدم. گرگ و کفتار هم بود. خلاصه اعتباری آمد و گفتند می‌توانید در این منطقه پاسگاه محیط‌بانی بسازید که پاسگاه کله‌منار را راه انداختیم. بعد هم با کمک همیاران همه اطراف فریمان را در چند سال چرخ زدیم و شکارچیان را گرفتیم. مردم آنجا به‌عینه محیط‌زیست را درک کردند. همین‌قدر به شما بگویم، زمانی که این منطقه را تحویل گرفتم، تعداد قوچ و میش آنجا حدود سیصدچهارصد رأس بود که الان این تعداد به حدود ۳هزار رأس رسیده است. درواقع زیستگاه احیا شده است. اما آخر سال ۱۳۹۳ که فریمان را تحویل دادم، دو قلاده پلنگ هم آنجا دیدم. هنوز هم هستند و دیگر خیالمان راحت شد. چون در منطقه‌ای که پلنگ زندگی کند، امنیت گونه‌های حیات‌وحش برقرار است.

● محیط‌بانان شما را به چه اخلاقی می‌شناسند؟

[می‌خندد] شعبانی را نمی‌شود دور زد، چون خودش در این کار بوده است. بنده به‌صورت هفته‌ای از سه منطقه از آن ۴۱ منطقه بازدید می‌کنم و تک‌تک محیط‌بانانم را به‌اسم کوچک می‌شناسم.



عکس: سعید گلی/شهرآرا

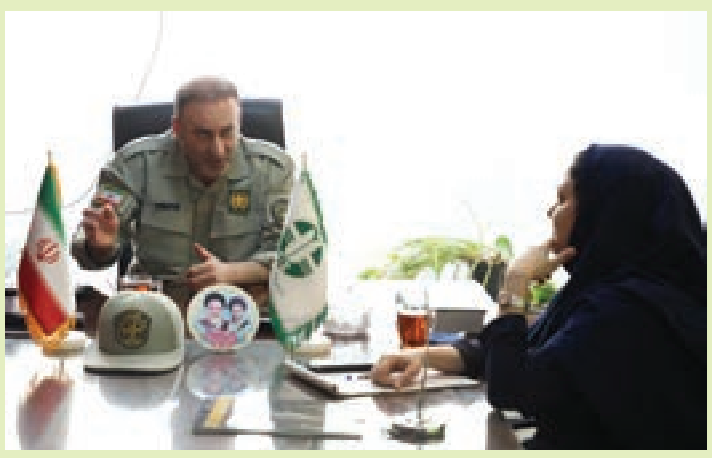
● مناطق حفاظت‌شده را با همه زیبایی‌های نهفته در آن ازجمله گونه‌های طبیعی و حیات‌وحش، باید در قرق محیط‌بانان دانست، چون محل کارشان آنجاست و تنها افرادی هستند که مجوز آمدوشد به این مناطق را دارند. ویژگی‌های این مناطق از نگاه شما چیست؟

در جنگلِ خواجه سرخس با دمای بیش از پنجاه درجه، گونه‌های عجیب درختان پسته فراوان است. در همین فصل با بارندگی‌های خوب، دشت‌های شقاق می‌بینید و تپه‌ماهور. تنوع گیاهی بسیار زیاد است. در دشت رئیسی، گله‌های آهو و در هزارمسجد ارس‌هایی می‌بینید که دوسه نفر باید دستشان را به هم بدهند تا دور تنه درخت را بگیرد. دریاچه‌های محدوده کلیلاغ واقعا زیباست. این مناطق، دنیایی حرف دارند و باید بتوانیم از این‌ها نگهداری کنیم.

● هر بار با شما گفت‌وگو کردیم، یادآوری کردید که شماره تلفن همراه شخصی‌تان را هم در روزنامه و در خبرها بنویسیم تا مردم در صورت مشاهده تخلفات زیست‌محیطی به شما خبر بدهند. با وجود این میزان پخش‌شدن شماره تماستان تا حالا مشکلی پیش نیامده است؟

تابه‌حال یک نفر مزاحمی به من زنگ نزده است، ولی از تهران، بوشهر، لرستان و مازندران تماس گرفته و تخلف‌های زیست‌محیطی گزارش کرده‌اند.

محیط‌بانی با گوشت و پوست و استخوان



● نزدیک به ۲۷سال از فعالیت شما در سازمان محیط‌زیست می‌گذرد. ۱۰سال محیط‌بانی در پارک ملی تندوره، شش سال نمایندگی حفاظت محیط‌زیست شهرستان فریمان و از سال ۱۳۹۳ هم فرماندهی یگان حفاظت محیط‌زیست خراسان‌رضوی را به‌عهده دارید. داستان ورودتان به این شغل پرماجرا چیست؟

من محیط‌بانی را با گوشت و پوست و استخوانم چشیده‌ام، چون پدرم محیط‌بان بود و ما را از کودکی همراهش به منطقه می‌برد. من هم به حرف پدرم گوش کردم [می‌خندد] و به‌عنوان محیط‌بان به پارک ملی تندوره وارد شدم. جایی که فقط و فقط طبیعت بود و نگهداری از حیات‌وحش و شغلی که باید بپذیری هر لحظه ممکن است اتفاقی بیفتد. آن زمان وضعیت خدمت ما سخت بود. ۱۰روز در منطقه بودیم و پنج روز استراحت می‌کردیم، به دور از تلفن و ارتباطات. همه مأموریت‌هایمان با اسب و موتور بود. فقط با بی‌سیم ارتباط داشتیم. من زیر نظر محیط‌بانان قدیمی خدمت کرده‌ام. سه سال هم در پاسگاهی نزدیک محل کار پدرم خدمت کردم و گاهی در مأموریت‌ها با او بودم تا سال ۱۳۸۷. پدرم بسیار سخت‌کوش بود و خستگی را در این آدم نمی‌دیدم. بارها دیده بودم که از اسب و موتور زمین خورده و در درگیری‌ها هم آسیب دیده بود. همان زمان‌ها بود که به فکر ادامه تحصیل در رشته منابع طبیعی افتادم.

● رشته منابع طبیعی برای یک محیط‌بان چه مزیتی داشت؟

راستش، تحصیل برای دلِ خودم بود، چون برای محیط‌بان‌شدن مدرک دیپلم کافی است. البته هرکه عاشق باشد، وارد این کار می‌شود. اما من عاشق طبیعت بودم و می‌خواستم گیاهان دارویی منطقه‌ای را بشناسم که آنجا خدمت می‌کردم و جنس سنگ زیر پایم و حیات‌وحش را تشخیص بدهم. به‌نظرم باید کل اکوسیستم را بشناسید تا بتوانید از آن حفاظت کنید. همین بود که رشته منابع طبیعی را انتخاب کردم و تا ارشد خواندم. کارم در پارک تندوره بود و خانه‌ام در مشهد و دانشگاهم در بیرجند. بعدها توانستم در تندوره بسیاری از گونه‌های مرتعی و طبیعی را شناسایی کنم.

● گفتید پدرتان در کودکی شما را به منطقه تندوره می‌برده است. خاطره‌ای از آن روزها برایمان تعریف کنید.

کلاس پنجم ابتدایی بودم که پدرم ما را سوار یک موتور ایژ قدیمی بزرگ کرد و به‌سمت تندوره رفتیم. این اولین رویارویی من با این منطقه بود. من و مادر و برادرم بودیم. مسیر طولانی بود و چهارپنج‌ساعتی در راه بودیم. یادم هست پشت موتور، خوابم می‌برد. پدرم ما را برد به پاسگاه شکرآب که در قلب تندوره است. می‌خواست ببینیم کجا کار می‌کند. درِ پاسگاه را بستیم. می‌دانستیم آنجا همه نوع حیوانی هست، مثل پلنگ و گرگ. همان‌جا منطقه را به‌خوبی لمس کردم.

جدول ۳۷۱۱

